

بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ

نکات کلیدی
متون حقوقی



تدوین: آرشد مؤمن نیا

انتشارات چتر دانش



نشر چتر دانش

- ◀ سرشناسه : مومن‌نیا، آرش، ۱۳۵۱ -
- ◀ عنوان و نام پدیدآور : نکات کلیدی متون حقوقی / تدوین آرش مومن‌نیا.
- ◀ مشخصات نشر : تهران: چتر دانش، ۱۴۰۱.
- ◀ مشخصات ظاهری : ۵۰۸ ص:؛ ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.
- ◀ شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۵۸۴-۲
- ◀ وضعیت فهرست نویسی : فیبا
- ◀ یادداشت : چاپ قبلی: چتر دانش، ۱۳۹۶، ۱۳۴۰ ص.
- ◀ موضوع : زبان انگلیسی -- کتاب‌های قرأت -- حقوق -- آزمون‌ها و تمرین‌ها (عالی)
English language -- Readers -- Law -- Examinations, questions, etc. (Higher)
- ◀ حقوق -- آزمون‌ها و تمرین‌ها (عالی)
Law -- Examinations, questions, etc. (Higher)
- ◀ دانشگاه‌ها و مدارس عالی -- ایران -- آزمون‌ها
Universities and colleges --Iran -- Examinations
- ◀ آزمون دوره‌های تحصیلات تکمیلی -- ایران
Graduate Record Examination -- Iran
- ◀ رده بندی کنگره : PE ۱۱۲۷
- ◀ رده بندی دیویی : ۴۲۸/۶۴۰.۲۴۳۴
- ◀ شماره کتابشناسی ملی : ۹۰۵۴۰۸۰
- ◀ اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

- نام کتاب : نکات کلیدی متون حقوقی
- ناشر : چتر دانش
- تدوین : آرش مؤمن‌نیا
- نوبت و سال چاپ : اول - ۱۴۰۱
- شمارگان : ۱۰۰۰
- شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۵۸۴-۲
- قیمت : ۱۲۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خمینیری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.



رشته حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله یکی از پرتیراگرترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه خدمت شده‌اند و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه آموزش عالی آزاد چتردانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه علمی بیش از پیش به منصه‌ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

سخن مؤلف

بی شک موفقیت و قبولی در آزمون‌های حقوقی به عوامل مختلفی بستگی دارد از جمله برنامه‌ریزی، مطالعه مستمر و عمیق، استفاده صحیح از کتب و جزوات استاندارد آموزشی، استفاده بهینه از وقت، پشتکار و امکانات نسبی مناسب. با مجموعه عوامل فوق، ضریب موفقیت فرد افزایش خواهد یافت و بالعکس در صورت فقدان هر یک از شرایط مذکور امکان موفقیت نیز کاهش می‌یابد. همانطور که می‌دانید درس متون حقوقی در آزمون‌های کارشناسی ارشد (سراسری - آزاد) و دکتری به عنوان یکی از مفاد آزمون می‌باشد. متأسفانه بیشتر دانشجویان در پاسخگویی به سؤالات این درس ناتوان بوده و یکی از دلایل مهم عدم موفقیت آن‌ها در آزمون‌های مذکور همین امر می‌باشد. متون تخصصی در هر رشته‌ای صرف نظر از اهمیتی که در آزمون‌های مختلف دارد، موجب روز آمد شدن علمی شخص می‌گردد؛ چرا که اطلاع و استفاده از تحولات و تازه‌های علمی مستلزم تسلط به زبان خارجی است. از آنجا که خواندن تمام مطالب مندرج در *law texts, law made simple* امری ارزشمند و در عین حال طاقت فرساست و به دلیل ضیق وقت و نداشتن حوصله و تحمل معمولاً دانشجویان مبادرت به مطالعه تمام مطالب در کتاب‌های مذکور نمی‌کنند از این رو در مجموعه حاضر سعی شده مطالب تخصصی مهم حقوقی به طور گزینشی با ترجمه سلیس و روان و در قالب مثال جهت فهم بهتر دانشجویان عزیز ارائه شود. در خصوص سؤالات تستی در این کتاب تعداد ۱۵۲ سؤال تخصصی از متن درس توسط نگارنده طرح شده که در ذیل آن ترجمه و پاسخ هر سؤال آن با توضیح لازم ذکر شده است. علاوه بر آن، تعداد ۵۵۱ تست که مجموعاً ۷۰۳ تست می‌شود از آزمون‌های ادوار گذشته، از سال ۱۳۷۱ تا سال ۱۳۹۳ - به استثنای سؤالات مربوط به درک مطلب (*comprehension*) که به علت دربرگرفتن حجم زیادی از مطلب و عدم ضرورت آن، از ذکر آن‌ها خودداری شده و در این زمینه فقط به متن‌های کوتاه استنباطی بسنده گردیده است - ارائه شده و تا حد امکان سعی شده از تکرار سؤالات اجتناب شود. در خصوص سؤالات مربوط به گرامر، توضیحات لازم طوری ذکر شده است که دانشجویان و خوانندگان عزیز برای فهم آن نیاز به مراجعه به منابع دیگری نداشته باشند. در پایان ضمن آرزوی موفقیت برای یکایک دانشجویان و خوانندگان عزیز امید است این خدمت فرهنگی مورد قبول واقع گردد و از همه کارشناسان و اساتید محترم تقاضا دارم معایب و کاستی‌های این اثر را با پیشنهادات جدید جهت ارائه بهتر مطلب به اطلاع نگارنده برسانند.

توفیق از اوست

آرش مؤمن‌نیا - بهار ۱۳۹۶

۱۲	The law of contract :	۱۴
The law of contract		14
Essentials of a valid contract		15
Void contracts		16
Voidable contracts		17
Unenforceable contracts		17
Classification of contracts		18
contracts of record		18
Judgments of a court		18
Recognizances		18
simple contracts		20
express contract		20
implied contract		20
executed contract		21
executory contract		21
Offer and acceptance		22
How made		22
To whom made		23
The offer must be communicated to the offeree		23
Termination of an offer		24
Options		25
Rules regarding acceptance		25
How made		25
Acceptance subject to contract		26
Tenders		26
Consideration		27
Executed consideration		28

Executory consideration	28
Rules of consideration.....	29
(a) consideration must be real or genuine	29
(b) consideration need not be adequate.....	30
(c) consideration must be legal	30
(d) consideration must move from the promisee	31
Tweddle v. Atkinson (1861).....	31
(e) consideration must be possible	32
(f) consideration must not be past	32
Remcardle (1951)	33
Mistake	33
(a) mistake as to the identity of the subject – matter	35
Scriven v.Hindley (1913).....	35
(b) mistake as to the existence of the subject – matter.....	36
(c) mistake as to the quality of the subject – matter	36
(d) Mistake as to the identity of the other party.....	37
(e) mistake as to the nature of the document	39
Foster v. mackinnon (1869).....	39
Misrepresentation.....	40
Representation.....	41
(a) a misrepresentation must be a statement of fact	43
(b) the misrepresentation must be made by a party to the contract or by their agent.....	44
(c) the representee must have relied on the misrepresentation.	44
Smith v. chadwick (1884)	45
Fraudulent misrepresentation.....	45
Remedies for fraudulent misrepresentation.....	46

Negligent misrepresentation.....	46
Duress and undue influence	46
Cumming v. Ince (1847).....	47
Welch v. cheeseman (1973).....	47
Williams v. Bayley (1866)	48
Discharge of contract.....	49
(a) discharge by agreement	49
Discharge by performance	51
Discharge by operation of law	51
(i) lapse of time	51
(ii) merger	52
(iii) bankruptcy.....	52
(iv) Death	52

٥٤Offences against the person : فصل دوم

Offences against the person	56
Fatal offences	56
(1) homicide	56
2. murder.....	56
(a) “unlawful killing” is necessary	56
(b) reasonable creature, means a “human life in being”	57
(c) causation – the “year and a day rule”.....	57
(d) malice aforethought	58
(3) manslaughter	59
(4) voluntary manslaughter	59

٦٢Offences against property : فصل سوم

Theft acts.....	64
-----------------	----

Theft	64
Actus Reus of theft	64
(a) appropriation.....	64
(b) property.....	65
(c) Belonging to another	66
(i) property is normally stolen from its owner	66
(ii) any proprietary right or interest will suffice.....	67
Mens Rea of theft	68
Robbery	68
Burglary	69
Entry as a trespasser	70
Obtaining property by Deception.....	70
False accounting.....	71
Blackmail.....	71
Handling stolen goods.....	72
Forgery	72

۷۴ **Non – fatal offences and other offences**: فصل چهارم:

Non – fatal offences	76
Assault and battery	76
Bigamy	76
Being married	77
Motoring offences.....	78
(a) Causing death by reckless driving	78
(b) Reckless driving	79

۸۰ **The constitutional law**: فصل پنجم:

The constitutional law	82
------------------------------	----

Definition and scope of the constitutional law	82
what is a constitution?	82
The making of written constitutions.....	83
Scope of constitutional law	85
What is constitutional law?	85
Constitutional law and Administrative law	86
Constitutional law and public International law	87
Sources of legal Rules	89
Secondary sources.....	89
Sources of the constitutional law	90

٩٢.....Sources of the common law : فصل ششم:

Sources of common law	94
Precedent.....	94
Case law	94
The Binding force of precedent.....	96
Differing opinions	96
Distinguishing	97
Overruling	97
Consolidation.....	97
Codification.....	98
Interpretation	98
Interpretation of statutes.....	98

١٠٠.....The International sale Transaction and the law of treaties: فصل هفتم:

The International sale Transaction	102
The sale contract and the parties.....	103
Carriage by sea.....	103

Bills of Exchange	105
Documentary credit	107
Disputes in International Transactions.....	107
Arbitration.....	110
The law of Treaties	111
The definition of a Treaty	111

فصل هشتم: سوالات متون حقوقی که از متن درس اقتباس شده است ۱۱۴

فصل نهم: آزمون های ادوار گذشته ۱۹۴

..... ۱۹۶	آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۷۱
..... ۲۰۷	آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۷۲
..... ۲۱۵	آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۷۳
..... ۲۲۲	آزمون کارشناسی ارشد آزاد سال ۱۳۷۳
..... ۲۳۲	کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۷۴
..... ۲۳۶	آزمون کارشناسی ارشد آزاد سال ۱۳۷۴
..... ۲۴۳	آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۷۵
..... ۲۴۷	آزمون کارشناسی ارشد آزاد سال ۱۳۷۵
..... ۲۵۵	آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۷۶
..... ۲۶۲	آزمون کارشناسی ارشد آزاد سال ۱۳۷۶
..... ۲۷۸	آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۷۷
..... ۲۸۲	آزمون کارشناسی ارشد آزاد سال ۱۳۷۷
..... ۲۸۷	آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۷۹
..... ۲۹۸	آزمون کارشناسی ارشد آزاد سال ۱۳۷۹
..... ۳۰۴	آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۸۰
..... ۳۱۲	آزمون کارشناسی ارشد آزاد سال ۱۳۸۰
..... ۳۲۰	آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۸۱
..... ۳۳۴	آزمون کارشناسی ارشد آزاد سال ۱۳۸۱

..... ۳۴۴	آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۸۲
..... ۳۵۱	آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۸۳
..... ۳۵۵	آزمون کارشناسی ارشد آزاد سال ۱۳۸۳
..... ۳۶۳	آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۸۴
..... ۳۶۹	آزمون کارشناسی ارشد آزاد سال ۱۳۸۴
..... ۳۷۴	آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۸۵
..... ۳۸۳	آزمون کارشناسی ارشد آزاد سال ۱۳۸۵
..... ۳۹۰	آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۸۶
..... ۳۹۷	آزمون کارشناسی ارشد آزاد سال ۱۳۸۶
..... ۴۰۳	آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۸۷
..... ۴۱۱	آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۸۸
..... ۴۱۶	آزمون کارشناسی ارشد آزاد سال ۱۳۸۸
..... ۴۲۴	آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۸۹
..... ۴۲۹	آزمون کارشناسی ارشد آزاد سال ۱۳۸۹
..... ۴۴۸	آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۹۰
..... ۴۵۳	آزمون کارشناسی ارشد آزاد سال ۱۳۹۱ - رشته حقوق خصوصی
..... ۴۵۹	آزمون کارشناسی ارشد آزاد سال ۱۳۹۱ - رشته حقوق جزا و جرم شناسی
..... ۴۷۰	آزمون کارشناسی ارشد آزاد سال ۱۳۹۱ - رشته حقوق بین‌الملل
..... ۴۷۶	آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۹۱
..... ۴۸۴	آزمون کارشناسی ارشد آزاد سال ۱۳۹۱ - ۱۳۹۰
..... ۴۹۵	آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۹۲
..... ۵۰۰	آزمون کارشناسی ارشد سراسری سال ۱۳۹۳

فصل اول

The law of contract

The law of contract

In his book principle of the law of contracts, sir William Anson defined a contract as a legally binding agreement made between two or more parties, by which rights are acquired by one or more to acts or forebearances on the part of the other or others. Shortly it may be defined as an agreement between two or more parties which is intended to have legally enforceable consequences.

حقوق قرارداد

سر ویلیام آنسون در کتاب خود، «اصول حقوق قراردادها» قرارداد را به عنوان توافقی قانوناً الزام‌آور تعریف نموده است که بین دو یا چند طرف منعقد شده و به موجب آن یک یا چند نفر در مقابل طرف یا طرف‌های دیگر، حقوقی را برای انجام اعمال یا ترک آن‌ها به دست می‌آورند. به طور خلاصه می‌توان قرارداد را به عنوان توافقی بین دو یا چند طرف تعریف نمود که قصد داشتن آثار و نتایج قابل اجرای قانونی دارند.

The agreement referred to in the definition means a meeting of minds. Called in law consensus ad idem, signifying that the parties are agreed together about the same thing. The definition also emphasizes that the parties to the contract must intend that their agreement shall be legally enforceable. Unless the law recognizes this and enforces the agreements of parties, it would be impossible to carry on commercial or business life. For this reason the law of contract plays a leading role in courses on business studies.

توافق اشاره شده در این تعریف به معنای توافق اراده‌هاست که در حقوق، توافق بر موضوع معین نامیده می‌شود، به این معنا که طرفین، با هم درخصوص موضوع واحدی توافق دارند. این تعریف همچنین تأکید دارد که قصد طرفین قرارداد باید این باشد که توافقشان قانوناً قابل اجرا باشد. در صورتی که قانون توافق طرفین را به رسمیت نشناخته و آن را قابل اجرا نداند، انجام امور تجاری و بازرگانی زندگی غیر ممکن خواهد بود. به همین دلیل در جریان مطالعات بازرگانی حقوق قرارداد نقش برجسته‌ای را ایفا می‌کند.

These contractual agreements give rise to rights and obligations which the law recognizes and enforces, are not intended by the parties to be legally binding. The law allows for this. Suppose if A and B agree to meet for dinner and B fails to turn up. The law will do nothing in the matter. The agreement was not intended to create legal rights and duties, and, as such, it is not a contract in law. Every contract is an agreement, but not every agreement is a contract.

این توافقات قراردادی، موجد حقوق و تکالیفی هستند که قانون آن‌ها را به رسمیت می‌شناسد و اجرا می‌کند. [اما در برخی توافقات، همچون قرار و مدارهای خانوادگی و اجتماعی] طرفین قصد ندارند که توافق قانوناً الزام‌آور باشد و قانون هم این امر را مجاز می‌شمارد. به فرض اگر **A** و **B** برای شام قرار ملاقات بگذارند و **B** سر قرار حاضر نشود، قانون در این مورد هیچ کاری انجام نمی‌دهد. منظور از این توافق، ایجاد حقوق و الزامات قانونی نبوده و به این ترتیب توافق مذکور، قانوناً قرارداد محسوب نمی‌شود. هر قرارداد یک توافق است اما هر توافق یک قرارداد محسوب نمی‌شود.

Essentials of a valid contract

An agreement will be enforced when the following essential elements exist:

- (a) offer and acceptance. There must be an offer by one party and an acceptance of it by the other.
- (b) intention to create legal relations.
- (c) capacity of the parties. Each party must have the legal capacity to make the contract.
- (d) consent must be genuine. The consent must not be obtained by fraud, or duress (such as death threats if the contract is not entered into).
- (e) consideration must be present (except in contracts under seal, i.e. by deed.)

(f) legality of object. The object of the contract must not be one of which the law disapproves.

(g) possibility of performance.

شرایط اساسی [صحت] یک قرارداد معتبر

توافق زمانی قابل اجرا خواهد شد که عناصر اساسی ذیل موجود باشد:

(الف) ایجاب و قبول. وجود ایجاب از جانب یک طرف، و قبول آن از جانب طرف دیگر، ضروری است. (ب) قصد ایجاد روابط قانونی.

(ج) اهلیت طرفین. هر یک از طرفین باید واجد اهلیت قانونی برای انعقاد قرارداد باشد.

(د) رضایت باید حقیقی باشد. رضایت نباید از طریق خدعه و فریب یا اکراه مثلاً تهدید به مرگ در صورت عدم انعقاد قرارداد تحصیل شود.

(ه) عوض باید موجود باشد. (به استثنای قراردادهای رسمی یعنی به وسیله سند رسمی)

(و) مشروعیت موضوع. موضوع قرارداد نباید از موضوعاتی باشد که مورد تأیید قانون نیست.

(ز) امکان اجرا.

All the above elements must be present. If one or more is absent the contract will be either void, voidable or unenforceable.

تمام شرایط (عناصر) فوق باید موجود باشد. اگر یک یا چند شرط وجود نداشته باشد، قرارداد باطل، قابل ابطال یا غیر قابل اجرا خواهد بود.

Void contracts

Void contracts are destitute of legal effect, that is, they are not contracts, and agreements of this kind do not confer legal rights on the parties thereto. For example, a contract by an infant to buy goods other than “necessaries” similarly, if A agree with B to break into c’s house and steal if B pays A £ 10, the contract is void for it is illegal.

قراردادهای باطل

قراردادهای باطل قراردادهای فاقد اثر قانونی‌اند؛ به این معنا که قرارداد نمی‌باشند. این قبیل توافقات به طرفین آن، حقوق قانونی اعطا نمی‌کنند. برای مثال، قرارداد یک کودک برای خرید کالایی به جز کالاهای ضروری [از این نوع است]. به این ترتیب اگر (الف) با (ب) توافق نماید که با پرداخت ۱۰ پوند از (ب) به او، وارد منزل (ج) شده و سرقت نماید، این قرارداد به دلیل غیر قانونی بودن، باطل می‌باشد.

Voidable contracts

Voidable contracts are those which may be made void at the instance of one of the parties. For example a contract which is induced by fraud can be avoided by the party deceived.

قراردادهای قابل ابطال

قراردادهای قابل ابطال قراردادهایی هستند که ممکن است به درخواست یکی از طرفین باطل گردند. مثلاً قراردادی که به واسطه تدلیس منعقد گشته، می‌تواند به درخواست طرف فریب خورده باطل شود.

Unenforceable contracts

Unenforceable contracts are those which are valid but are unenforceable at law because of the absence of evidence of the contract or the form required by law. For example, some contracts which are not 'evidence in writing' are unenforceable at law. So, too, are contracts barred by the limitation act, 1980.

قراردادهای غیر قابل اجرا

قراردادهای غیر قابل اجرا قراردادهای معتبری هستند که به واسطه فقدان مدرک قرارداد یا شکل مقرر قانونی، قانوناً غیر قابل اجرا می‌باشند. برای مثال، برخی قراردادها که به صورت «سند کتبی» تنظیم نشده‌اند، قانوناً غیر قابل اجرا هستند، قراردادهایی نیز که به موجب قانون مرور زمان مصوب ۱۹۸۰، ممنوع گردیده‌اند، به همین ترتیب‌اند.

Classification of contracts

Contracts may be classified under the following headings: (1) contracts of record, (b) specialty contracts and simple contracts.

طبقه بندی قراردادهای

قراردادهای را می‌توان تحت عناوین ذیل طبقه بندی نمود: الف) قراردادهای ثبت شده، ب) قراردادهای رسمی و قراردادهای ساده.

contracts of record

(a) contracts of record: these include judgments of a court and Recognizances.

قراردادهای ثبت شده

الف) قراردادهای ثبت شده: این قراردادها شامل احکام دادگاه و التزام نامه‌ها می‌گردند.

Judgments of a court

The previous rights under a contract are merged in the judgment. thus, A owes B £ 10 on a contract. B sues A and obtains judgment.

احکام دادگاه

حقوق قبلی براساس قرارداد، در حکم دادگاه گنجانده می‌شود. بنابراین الف براساس قراردادی، ۱۰ پوند به ب بدهکار است. ب علیه الف اقامه دعوی کرده و حکم دادگاه را تحصیل می‌کند.

Recognizances

In the criminal courts an offender may on conviction be 'bound over to be of good behaviour and to keep the peace' the person so bound acknowledges that there is a debt to the crown of a certain sum of money (say, £ 10 or £ 20) if he or she fails to observe the

terms of the recognizance.

التزام نامه‌ها

در دادگاه‌های کیفری مجرم ممکن است همزمان با محکومیت به «داشتن رفتار خوب و رعایت نظم و صلح ملزم گردد». شخصی که چنین تعهدی دارد در صورتی که از شروط التزامنامه تخلف ورزد، اقرار می‌نماید که به دولت مبلغ معینی پول (مثلاً ۱۰ یا ۲۰ پوند) بدهکار است.

specialty contracts (or contracts by deed)

This type of contract is the only formal contract in the law. Specialty contracts are used for various transactions such as conveyances of land, a lease of property for more than three years and articles of partnership.

The characteristics of a contract by deed are that it is signed, sealed and delivered.

When delivery is made subject to a condition, It is termed an escrow; this means that although the deed has been 'delivered' it will not become effective until the specified condition has been fulfilled.

قراردادهای رسمی (یا قراردادهای با سند رسمی)

این نوع قرارداد تنها قرارداد رسمی در قانون می‌باشد. قراردادهای رسمی در معاملات مختلف از قبیل انتقال زمین، اجاره ملک به مدت بیش از سه سال و اساسنامه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ویژگی‌های یک قرارداد رسمی عبارتند از:

امضا شود، مهر شود و تحویل گردد.

هرگاه تسلیم سند منوط به تحقق شرطی شود در این صورت «اسکرو» نامیده می‌شود. اسکرو به این معنی است که هرچند سند تحویل داده شده، اما این تحویل تا زمانی که آن شرط معین محقق نشود معتبر نخواهد بود.

simple contracts

These are contracts not under seal. They may be made orally, In writing or implied by conduct.

قراردادهای ساده

این قراردادهای ساده (فاقد مهرند). قراردادهای ساده ممکن است به صورت شفاهی، کتبی یا به صورت ضمنی از طریق رفتار منعقد شوند.

express contract

express contract is one where the terms are stated in words (orally or in writing) by the parties.

قرارداد صریح

قرارداد صریح، قراردادی است که مفاد آن از سوی طرفین با ادای کلمات (به صورت شفاهی یا کتبی) بیان می‌گردد.

implied contract

implied contract is one in which the terms are not expressed but are implied from the conduct or position of the parties. For example, if someone goes into a restaurant, takes a seat and is supplied with a meal, the law will imply a contract from the very nature of the circumstances, and the customer will be obliged to pay for it. Similarly, where money which is not due is paid by mistake, the law implies a contract by the person paid to refund the money.

قرارداد ضمنی

قرارداد ضمنی قراردادی است که مفاد آن تصریح نمی‌گردد، بلکه تلویحاً از رفتار یا موقعیت طرفین فهمیده می‌شود. به عنوان مثال اگر شخصی به رستورانی رفته و پس از نشستن مورد پذیرایی قرار

گیرد، قانون با توجه به ماهیت دقیق اوضاع و احوال، وجود قراردادی را به طور ضمنی استنباط می‌نماید و مشتری در ازای آنچه که میل کرده موظف به پرداخت می‌باشد. به طور مشابه، در مواردی که اشتباهاً پولی که بر ذمه نیست، پرداخت می‌گردد، قانون آن را به طور ضمنی به صورت قراردادی با شخصی که پول به وی پرداخت شده، تلقی کرده و دریافت کننده، ملزم به استرداد وجه می‌باشد.

executed contract

executed contract is one wholly performed on one or both sides. For example, on 1 June (A) agrees to dig (B'S) garden in August if (B) will pay (A) £ 10 on 1 July. When (B) pays the £ 10 and (A) digs the garden the contract will be executed so far as (A) and (B) are concerned.

قرارداد اجرا شده

قرارداد اجرا شده، قراردادی است که به طور کامل از طرف یک یا هر دو طرف آن به موقع اجرا گذارده شده باشد. مثلاً (A) در اول ژوئن قبول می‌کند که باغچه خانم (B) را در ماه اوت بیل بزند، مشروط بر آن که خانم (B) در اول ژوئیه به او ۱۰ پوند بپردازد. وقتی خانم (B) ۱۰ پوند را پرداخته و (A) باغچه را بیل می‌زند قرارداد تا جایی که به (A) و (B) مربوط می‌شود اجرا شده خواهد بود.

executory contract

executory contract is one which is wholly unperformed, or in which there remains something further to be done on both sides. for instance, the contract in the above example is executory between 1 June and 1 July, for the contract is wholly unperformed until (B) pays (A) £ 10. many examples occur in relation to goods, as when a customer agrees to buy a car for £ 18000 in the following year, payment to be made on delivery.

قرارداد مؤجل

قرارداد مؤجل قراردادی است که کاملاً اجرا نشده یا در آن کاری برای انجام از جانب هر دو طرف باقی مانده است. برای نمونه قرارداد مذکور در مثال فوق بین اول ژوئن و اول ژوئیه مؤجل خواهد بود، زیرا تا زمانی که (B) ۱۰ پوند را به (A) نپردازد قرارداد به طور کامل اجرا نشده است. موارد متعددی از این دست، در ارتباط با کالا به وقوع می‌پیوندد مانند موردی که مشتری توافق می‌نماید اتومبیلی را به مبلغ ۱۸۰۰۰ پوند در سال آتی خرید کند و تأدیه وجه هنگام تسلیم مبیع باشد.

Offer and acceptance

To constitute a contract there must be an offer and an acceptance. The party making the offer is known as the offeror, the party to whom the offer is made is known as the offeree. The contract comes into existence when an offer has been unconditionally accepted.

ایجاب و قبول

برای انعقاد قرارداد باید ایجاب و قبول وجود داشته باشد. طرفی که ایجاب می‌کند، موجب و طرفی که ایجاب به او خطاب می‌شود، طرف ایجاب نامیده می‌شود. قرارداد زمانی به وجود می‌آید که ایجاب بدون قید و شرط قبول شود.

How made

An offer may be made orally, in writing or by conduct. An example of an offer made by conduct is where a customer in a supermarket chooses goods and hands them to the cashier, who then accepts the customer's offer to buy.

چگونگی انجام ایجاب

ایجاب ممکن است به صورت شفاهی، کتبی یا عملی انجام پذیرد. نمونه ایجابی که به صورت عملی انجام می‌پذیرد، جایی است که مشتری در سوپرمارکتی کالایی را انتخاب نموده و به صندوقدار می‌دهد و صندوقدار پس از آن ایجاب مشتری برای خرید کالا را قبول می‌کند.

To whom made

An offer may be made to a definite person (or group of persons) or to the whole world, i.e. generally. Where an offer is made to one person only, or a group of persons, only that person or that group may accept. Where an offer is made to the whole world, anyone may accept by complying with the terms of the offer.

مخاطب ایجاب

ایجاب ممکن است به شخص (یا گروهی از اشخاص) معین یا به همه جهان یعنی به طور عمومی، داده شود. هرگاه ایجاب صرفاً به یک شخص یا گروهی از اشخاص داده شود، فقط همان شخص یا گروه معین می‌تواند آن را قبول کند. هرگاه ایجاب به عموم اعلام شود، هر کس می‌تواند آن را با انجام مفاد ایجاب، قبول نماید.

The offer must be communicated to the offeree

An offer must be communicated to the offeree before it can be accepted. A person can not be said to accept an offer of which they are unaware. if (A) by public notice advertises a £ 100 reward to the finder of a lost brooch the loser, finds the brooch and returns and B, who is unaware of the notice and the offer, B is not entitled to claim the reward.

ایجاب باید به ایجاب شونده اعلام شود

قبل از قبولی، ایجاب باید به ایجاب شونده اعلام شود. نمی‌توان گفت شخصی که از ایجاب آگاهی نداشته، آن را قبول کرده است. اگر (الف) از طریق آگهی عمومی پیشنهاد پرداخت ۱۰۰ پوند جایزه به یابنده گل سینه گم شده نماید و (ب) بدون اطلاع از اعلامیه ایجاب، گل سینه را پیدا کرده و آن را به صاحبش مسترد دارد، حق مطالبه جایزه مذکور را ندارد.

An offer must be distinguished from an invitation to treat. An ‘invitation to treat’ means an invitation to make offers. Thus when an auctioneer requests bids, potential bidders are invited to make offers. An offer is accepted by the auctioneer by the fall of the hammer.

Where goods are displayed in a shop window or on shelves in a self – service store, the display is construed as an invitation to treat, not an offer to sell. Where a customer picks up an article in a self – service store and takes it to the cashier’s desk to pay. The taker’s action is an offer to buy. It is for the cashier (or shop keeper) to accept the offer and take the purchase money in payment.

ایجاب باید از دعوت به معامله متمایز گردد. دعوت به معامله به معنای دعوت به دادن ایجاب است. بنابراین وقتی که حراج گذاری، اعلام حراج کرده و پیشنهاد دهندگان را برای دادن ایجاب‌های خود به او دعوت می‌نماید، ایجاب با زدن چکش به وسیله حراج کننده، مورد قبول واقع می‌شود. وقتی که کالاها در ویترین مغازه یا قفسه‌های فروشگاه سلف سرویس، در معرض دید قرار داده شده باشند، این امر به عنوان دعوت به معامله و نه ایجاب فروش، تلقی می‌گردد. هنگامی که مشتری کالایی را که در یک فروشگاه سلف سرویس برداشته و آن را جهت پرداخت قیمت روی میز پیشخوان قرار می‌دهد، عمل کسی که کالا را برداشته، ایجاب برای خرید است. صندوقدار (صاحب فروشگاه) می‌تواند ایجاب را قبول کرده و ثمن پرداختی معامله را دریافت کند.

A statement of price is not necessarily an offer.

اعلام قیمت لزوماً ایجاب نمی‌باشد.

Termination of an offer

An offer terminates:

(a) on the death of either offeror or offeree before acceptance.

- (b) by non-acceptance within the time stipulated for acceptance, or within a reasonable time.
- (c) when revoked before acceptance.
- (d) when rejected by the offeree.

خاتمه ایجاب

ایجاب [در موارد زیر] پایان می‌پذیرد:

- (الف) با فوت ایجاب‌کننده یا ایجاب شونده قبل از قبولی.
- (ب) با عدم قبولی در طول مهلت قیده شده برای قبولی یا در مهلت معقول.
- (ج) رجوع از ایجاب قبل از قبولی
- (د) رد ایجاب توسط ایجاب شونده.

Options

An option is an offer to keep a contract 'open' for a specified time. An option is not binding unless made by deed or is supported by valuable consideration.

خيارات

خيار ایجابی است جهت «مفتوح» نگاه داشتن قرارداد برای مدت معین. خيار الزام‌آور نیست مگر این که به موجب سند رسمی بوده یا دارای عوض واجد ارزشی باشد.

Rules regarding acceptance

How made

Acceptance of an offer may be orally, in writing or by conduct.

قواعد راجع به قبولی

چگونگی انجام قبولی

قبولی ایجاب ممکن است به صورت شفاهی، کتبی یا عملی باشد.

Acceptance must be unqualified. This means that the acceptance must be absolute and must conform exactly with the terms of the offer. Thus if the offeree is required to perform an act or to pay a sum of money, the act must be performed or the sum mentioned paid exactly.

قبولی باید غیر مشروط باشد. این بدان معنا است که قبولی باید مطلق بوده و دقیقاً با شرایط اجاب تطبیق نماید. بنابراین اگر از اجاب شونده، انجام عملی یا پرداخت مبلغی پول درخواست شود عمل مذکور باید انجام شود و مبلغ قید شده نیز باید عیناً پرداخت شود.

Acceptance subject to contract

Acceptance 'subject to contract' means that the parties do not intend to be bound, and are not bound, until a formal contract is prepared and signed by them. The object of the phrase, which often appears in sales of land and property, is to give the parties an opportunity to reflect on the matter, to obtain legal advice, and to change their minds if need be.

قبولی به شرط انعقاد قرارداد

قبولی به «شرط انعقاد قرارداد» به این معنی است که طرفین قصد ندارند متعهد شوند و تا زمانی که یک قرارداد رسمی به وسیله آنان تهیه و امضا نشود، متعهد نمی‌باشند. هدف این عبارت که اغلب در مورد فروش زمین و اموال مصداق پیدا می‌کند، آن است که به طرفین فرصت بازتاب در خصوص موضوع، کسب مشاوره حقوقی و عنداللزوم تغییر نظرشان را اعطا کند.

Tenders

A tender is an offer. Tenders commonly arise where, for example, a corporation invites offers to supply goods or services. Two kinds of tender must, however, be distinguished: (a) where the tender

is an offer to supply a specified or definite quantity of goods or services and (b) where the tender is a standing offer, i.e. an offer to supply goods or services periodically or as required.

مناقصه‌ها [یا مزایده‌ها]

مناقصه ایجاب محسوب می‌شود. معمولاً مناقصه‌ها زمانی صورت می‌پذیرند که به طور مثال شرکتی برای عرضه کالاها و خدمات دعوت به ایجاب می‌کند. با این حال دو نوع مناقصه را باید از هم تمییز داد: (الف) وقتی که مناقصه، ایجابی برای عرضه مقدار معین و یا نوع خاصی از کالاها یا خدمات است و (ب) وقتی که مناقصه ایجابی ثابت است یعنی ایجاب برای عرضه کالاها یا خدمات به صورت دوره‌ای یا برحسب تقاضا صورت می‌پذیرد.

Consideration

One of the fundamental rules of this branch of the law is that 'consideration' is a necessary element in the formation of a valid simple contract. In *Rann v. Hughes* (1778). The principle was stated clearly that, if contracts be merely written and not specialties (i.e. by deed), they are parol (i.e. oral) and a consideration must be proved.

عوض

یکی از قواعد اساسی این شاخه از حقوق آن است که عوض شرطی ضروری در تشکیل یک قرارداد ساده معتبر است. در عوض رن علیه هیوگس (۱۷۷۸)، این اصل به وضوح بیان شد که «اگر قراردادها صرفاً کتبی باشند و نه رسمی، (یعنی به وسیله سند رسمی نباشند)، قراردادها شفاهی محسوب خواهند شد و وجود عوض باید ثابت گردد.»

A bare promise (nudum pactum) is not legally binding. So that if (A) promises £ 10 to B, it follows that (B) cannot enforce the payment of the sum at law if (A) subsequently changes his or her mind. 'A promise without consideration is a gift; one made for

consideration is a bargain.'

یک تعهد غیر معوض (بلاعوض) قانوناً الزام‌آور نیست. بنابراین اگر (الف) تعهد به پرداخت ده پوند به (ب) بنماید، نتیجه آن می‌شود که اگر (الف) بعداً نظرش را تغییر داد، (ب) نمی‌تواند (الف) را الزام به پرداخت کند. «یک تعهد بلا عوض هبه محسوب می‌شود. [در حالی که] تعهدی که در ازای عوض به وجود آمده، یک معامله محسوب می‌گردد.»

Executed consideration

Executed consideration means that consideration which is wholly performed on one side immediately the contract is entered into. For example, (A) sells his bicycle to (B) for £ 20, which agrees to pay next week. If (A) delivers the machine straight away, The consideration is 'executed' by (A).

عوض نقد

عوض نقد به معنای عوضی است که به محض انعقاد قرارداد، از جانب یک طرف کاملاً ایفا می‌گردد. برای مثال (الف) دوچرخه‌اش را به مبلغ ۲۰ پوند به (ب) می‌فروشد و (ب) قبول می‌کند که ثمن را هفته آینده بپردازد. اگر (الف) دوچرخه را فوراً تحویل دهد، عوض از طرف (الف) اجرا شده [نقدی] است.

Executory consideration

Executory consideration is a promise to confer a benefit or to suffer some detriment at some future time. For example, so far as (B) is concerned (in the example above) consideration is 'executory' since the £ 20 is payable in the future similarly, if M and N agree to form a partnership on January 1 of next year, both parties give mutual promises, and the consideration will be executory.

عوض مؤجل

عوض مؤجل تعهدی به منظور اعطای سود یا تحمل ضرری در آینده است. برای مثال (در مثال

فوق) تا جایی که به (ب) ارتباط پیدا می‌کند، عوض او، مؤجل است، چرا که ۲۰ پوند در آینده قابل پرداخت می‌باشد. به همین ترتیب اگر (ام) و (ان) توافق به تشکیل شرکت مدنی در اول ژوئن سال آینده نمایند، طرفین تعهدات متقابلی داده‌اند و عوضین مؤجل خواهد بود.

Rules of consideration

The general rules relating to consideration are that (a) it must be real or genuine, (b) it need not be adequate, (c) it must be legal, (d) it must move from the promisee, (e) it must be possible, and (f) it must not be past.

قواعد راجع به عوض

قواعد کلی راجع به عوض عبارتند از: الف) عوض باید واقعی یا حقیقی باشد. ب) لازم نیست عوضین متساوی و همسنگ باشند.
ج) عوض باید قانونی باشد.
د) عوض باید از جانب متعهد له پیشنهاد گردد.
ه) عوض باید مقدور باشد.
و) عوض نباید گذشته [معوق] باشد.

(a) consideration must be real or genuine

The courts will not enforce vague or sham promises, or promises in which there is no benefit at all, or where no detriment is imposed on the parties.

الف) عوض باید واقعی یا حقیقی باشد

محاکم، تعهدات مبهم و واهی یا تعهداتی که در آنها اصلاً سودی متصور نیست یا تعهداتی که هیچ ضرری بر طرفین تحمیل نمی‌نماید را به موقع اجرا نخواهند گذارد.

(b) consideration need not be adequate

The general rule of the law of contract is that the parties are free to make what contracts they desire, e.g. by naming the price for which they are prepared to sell their goods. A person cannot seek the assistance of a court of law merely because a bad bargain has been made. Caveat emptor (let the buyer beware) is a basic rule. If I buy for £ 1 a picture which turns out to be a Rembrandt, I am lucky; the seller is not. The contract is good.

(ب) لازم نیست عوضین متساوی و همسنگ باشند

قاعده کلی حقوق قرارداد، این است که طرفین آزادند، هر قراردادی را که می‌خواهند منعقد کنند. مثلاً از طریق بیان ثمنی، که حاضرند کالایشان را به آن بفروشند. یک شخص نمی‌تواند صرفاً به دلیل این که معامله زیان‌آوری را منعقد کرده است از محکمه قضایی خواستار مساعدت شود. قاعده «اجازه دهید خریدار آگاه شود» یک قاعده اساسی است. اگر من تابلو نقاشی به مبلغ یک پوند بخرم که معلوم شود اثر رامبراند است، من خوش شانس هستم. [اما] فروشنده خوش شانس نیست، [ولی با این حال قرارداد] معتبر است.

(c) consideration must be legal

This is obvious. A promise to break into a house for £ 100 must inevitably be regarded as unlawful and therefore void. No criminal would have the nerve to sue on such a contract and would receive prompt attention from the police if he did, for his agreement would amount to criminal conspiracy at least.

(ج) عوض باید قانونی باشد

این قاعده واضح است. تعهد به هتک حرز خانه‌ای، در ازای مبلغ ۱۰۰ پوند، ناگزیر باید غیر قانونی و در نتیجه باطل تلقی شود. هیچ مجرمی بر مبنای این قرارداد حق اقامه دعوی ندارد و اگر چنین کند، توجه پلیس فوراً جلب می‌گردد، زیرا توافق او، دست کم منجر به تبانی کیفری می‌گردد.

(d) consideration must move from the promisee**(د) عوض باید از جانب متعهدله پیشنهاد گردد**

Consideration must move from the promisee (i.e. the person to whom the promise was made). The relationship which exists between promisor and promisee is known as privity of contract. since the parties to the contract must provide consideration, it follows that as a general rule a person who receives a benefit under a contract may not, unless consideration has been supplied, enforce rights under the contract. In other words, no stranger to the consideration may sue on a contract.

عوض باید از جانب متعهدله پیشنهاد گردد. (متعهدله، یعنی شخصی که تعهد به نفع او داده شده است.) رابطه موجود میان متعهد و متعهدله به عنوان «اصل نسبی بودن قرارداد» شناخته می‌شود. از آنجا که طرفین قرارداد، باید تدارک عوضین نمایند، لذا به عنوان یک قاعده کلی نتیجه می‌شود شخصی که به موجب قراردادی تحصیل منفعتی می‌کند، نمی‌تواند حقوق قراردادی را به موقع اجرا گذارد، مگر این که عوض را تدارک دیده باشد. به عبارت دیگر، کسی که عوض را تدارک ندیده است، نمی‌تواند براساس یک قرارداد، اقامه دعوی نماید.

Tweddle v. Atkinson (1861)

T was married to the daughter of X. to assist the married couple, X promised to pay T £ 200 in consideration of T's father paying T £ 100. X, however, died before he had paid the £ 200, and in consequence T sued Atkinson, X's executor. Held: that T could not sue as no consideration had been given by T. only T's father was entitled to sue.

دعوی توودل علیه آتکینسون (۱۸۶۱)

تی با دختر ایکس ازدواج کرد. ایکس تعهد کرد که برای کمک به زوجین در عوض پرداخت ۱۰۰

پوند از پدر تی به تی، ۲۰۰ پوند به تی بپردازد، اما ایکس قبل از اینکه ۲۰۰ پوند را بپردازد درگذشت و در نتیجه تی علیه وصی ایکس یعنی آقای آنکینسون اقامه دعوی کرد. مقرر شد: که تی نمی‌تواند اقامه دعوی کند چرا که تی هیچ عوضی تسلیم نکرده است. فقط پدر تی حق اقامه دعوی دارد.

(e) consideration must be possible

The law will not enforce a contract to do that which is quite outside human capability. Thus a promise to go to the center of the earth in consideration of the payment of £ 100, would be absurd and impossible, and brings into question whether the parties could genuinely have contemplated legal relations on that basis. However, a promise which, although possible of performance when the contract was entered into, becomes impossible subsequently.

(ه) عوض باید مقدور باشد

قانون قراردادی را که انجام آن کاملاً خارج از حیطه اختیار انسان است به اجرا نمی‌گذارد بنابراین تعهد به رفتن به مرکز زمین در ازای پرداخت ۱۰۰ پوند، محال و غیر ممکن است و ایجاد تردید می‌کند که آیا طرفین واقعاً می‌توانند بر این اساس روابط قانونی را مدنظر داشته باشند. با این حال باید بین تعهد به انجام محال و تعهدی که گرچه حین العقد مقدور است ولی متعاقباً ناممکن می‌گردد، تفکیک قائل شد.

(f) consideration must not be past

This means that a benefit conferred in the past is not consideration for a present promise. In everyday life this may seem harsh, since most of us have received great benefits from others, e.g. parents, teachers, friends who have given a helping hand in moments of crisis. Apart from these moral obligations of indebtedness, the rule of law concerning past consideration is practical and sound.

و) عوض نباید گذشته باشد

این قاعده بدان معناست که منفعت اعطا شده در گذشته، برای تعهد حاضر، عوض محسوب نمی‌شود. این قاعده ممکن است در زندگی روزمره غیر عادلانه به نظر برسد، چرا که اکثر ما منافع زیادی را از دیگران مثل والدین، اساتید و دوستانی که در لحظات بحرانی به ما یاری رسانده‌اند، دریافت داشته‌ایم. صرف‌نظر از این تعهدات اخلاقی، در خصوص مدیون بودن [به افراد]، قاعده حقوقی مربوط به عوض گذشته، عملی و بی‌نقص می‌باشد.

Remcardle (1951)

The occupants carried out certain improvement and decorations to a house at a cost of £ 488, after the work was done, those beneficially interested in the house executed a document by which they promised, in consideration of the execution of the work, to pay £ 488.

Held: that the consideration for the promise was past, as the work had been completed when the promise was made; the claim to recover £ 488 therefore failed.

دعوی رمک آردل (۱۹۵۱)

متصرفین یک منزل تعمیرات و تزئینات معینی را با هزینه ۴۸۸ پوند به آن به عمل آوردند. پس از این که کار مذکور انجام شد، کسانی که در خانه مذکور ذینفع بودند، سندی را تنظیم و به موجب آن تعهد کردند که در ازای انجام تعمیرات و تزئینات ۴۸۸ پوند بپردازند. دادگاه رأی داد: که عوض این تعهد گذشته است، چرا که در زمان تحقق تعهد، کار مذکور انجام یافته بود. از این حیث ادعای دریافت ۴۸۸ پوند، رد شد.

Mistake

The general rule of common law is that mistake does not affect the validity of a contract. If I sell you a painting for £ 10 and, after the sale, you discover that the painting is a Rembrandt worth £

100,000, you are fortunate, I am not. I merely sold a painting, not knowing that it was a very valuable old master. I mistook its real value, and the law will do nothing to assist me.

اشتباه

قاعده کلی کامن لا این است که اشتباه تأثیری در صحت یک قرارداد ندارد. اگر من به شما یک تابلوی نقاشی به ارزش ۱۰ پوند بفروشم و بعد از بیع بفهمید که تابلوی مذکور اثر رامبراند بوده و ۱۰۰ هزار پوند می‌ارزد شما خوش‌شانس هستید و من بدشانسم. من بدون اطلاع از این که آن تابلو یک شاهکار قدیمی با ارزش است، آن را صرفاً به عنوان یک تابلوی نقاشی فروختم. من در خصوص ارزش واقعی [تابلو] در اشتباه بودم و قانون اقدامی برای کمک به من انجام نخواهد داد.

There are, however, some kinds of mistake which operate on the agreement and really undermine it so that there is no true consent. Such a mistake is known as an 'operative' mistake, the effect of which is to render the contract void.

با این وجود، انواعی از اشتباه وجود دارد که به توافق اثر گذاشته و واقعاً آن را تضعیف می‌کند به طوری که رضایت حقیقی وجود ندارد. چنین اشتباهی به عنوان یک اشتباه «مؤثر» شناخته شده و اثر آن ابطال قرارداد است.

First we must observe that the mistake has to be one of fact and not of law. If I make a mistake about some general rule of law, I can not plead in court that I did not know the legal rule existed. The maxim ignorantia juris baud excusat ('ignorance of the law is no excuse') applies. A mistake of private rights or of foreign law is, however, treated as a mistake of fact and not of law. Thus, where A agrees to lease to B some land which in fact already belongs to B, such a mistake (relating to private property) is treated as a mistake

of fact. The lease would in the circumstances be void.

نخست باید متذکر شد که اشتباه باید اشتباهی موضوعی باشد و نه حکمی. در صورتی که من در خصوص یکی از قواعد کلی حقوق در اشتباه باشم، نمی‌توانم در دادگاه ادعا نمایم که از وجود قاعده حقوقی مذکور، اطلاع نداشتم. [در این خصوص] اصل «جهل به قانون رافع مسئولیت نیست»، اعمال می‌شود. مع الوصف اشتباه راجع به حقوق خصوصی یا قانون خارجی به عنوان یک اشتباه موضوعی تلقی می‌شود نه اشتباه حکمی. بنابراین در صورتی که (الف) با (ب) توافق به اجاره دادن زمینی به (ب) نماید که در واقع از پیش متعلق به (ب) بوده است، چنین اشتباهی (که مربوط به اموال شخصی است) به عنوان اشتباهی موضوعی تلقی می‌شود. در این شرایط اجاره باطل خواهد بود.

(a) mistake as to the identity of the subject – matter

Where two parties intend to contract, and the first party intends to contract with regard to one thing while the second intends another thing, there is no true agreement and hence no contract.

الف) اشتباه در خصوص ماهیت مورد معامله

در مواردی که دو طرف قصد انعقاد قرارداد دارند و طرف اول قصد انعقاد قراردادی در خصوص چیزی و طرف دوم قصد چیز دیگری را دارد، توافقی صحیح و در نتیجه قراردادی وجود ندارد.

Scriven v. Hindley (1913)

An auctioneer put up for sale some lots of hemp and tow. Owing to ambiguity in the auction particulars the defendant bid an excessive price for an item of tow, thinking it was hemp. From the price bid the auctioneer must have realized there was a mistake. Held: that there was no contract.

دعوی اسکریون علیه هیندلی (۱۹۱۳)

یک حراج گذار، مقدار زیادی پس مانده کنف و الیاف را به معرض فروش گذاشت. به علت ابهامی که در جزئیات حراج وجود داشت، خواننده بابت یک فقره از الیاف قیمت گرانی را پیشنهاد کرد با این

تصور که مورد مذکور کف است، حراج‌گذار باید از قیمت پیشنهادی، فهمیده بود که اشتباهی رخ داده است. دادگاه مقرر داشت: قراردادی وجود ندارد.

(b) mistake as to the existence of the subject – matter

Where both parties contract in the mistaken belief that a particular thing is in existence when, in fact, it has ceased to exist, there is a fundamental mistake which renders the contract void. For example, if I agree to sell to you my motor – car which both of us believe to be at my home, but unfortunately was destroyed by fire a day before the contract, we have both made a mistake (a common mistake) and the contract is void. The law presumes in this type of situation a condition that the thing about which we agreed was in existence.

(ب) اشتباه در خصوص وجود مورد معامله

در صورتی که هر دو طرف قرارداد به تصور اشتباه وجود چیزی خاص، [مبادرت به] تنظیم قرارداد نمایند، در واقع چون آن چیز وجود ندارد، اشتباهی اساسی وجود دارد که قرارداد را باطل می‌سازد. به عنوان مثال، اگر من با شما توافق نمایم که ماشین خود را که هر دو تصور می‌کنیم در خانه من است به شما بفروشم، اما متأسفانه ماشین به واسطه آتش سوزی یک روز قبل از قرارداد از بین رفته باشد، ما هر دو مرتکب اشتباه واحدی (یک اشتباه مشترک) شده‌ایم و قرارداد باطل است. قانون در این گونه اوضاع، شرطی را فرض می‌کند که چیزی که ما در مورد آن توافق کرده‌ایم، وجود داشته است.

(c) mistake as to the quality of the subject – matter

The general rule in this type of agreement is that mistake as to the quality of the thing contracted for does not invalidate the contract. If, for example, I sell you a painting which we both think to be an old master, but turns out to be a cheap imitation, the contract

is good. No representation is made as to the painting. All that is bought and sold is a painting. There is no mistake as to its identity, but both parties are mistaken as to its quality. You get what you bargained for: a particular painting. In such a case the law is not concerned with the quality or the value paid, for the general rule is *caveat emptor* ('let the buyer beware').

Equity, however, may grant relief in certain circumstances, and the contract may be set aside on terms which are fair and just.

ج) اشتباه در خصوص کیفیت مورد معامله

قاعده کلی در این نوع توافق آن است که اشتباه در خصوص کیفیت چیزی که قرارداد، برای آن منعقد گردیده، قرارداد را از اعتبار نمی‌اندازد. مثلاً اگر من تابلوی نقاشی‌ای را که هر دو فکر می‌کنیم شاهکاری قدیمی است به شما بفروشم، اما معلوم شود، تابلو یک تقلید بی‌ارزش است، قرارداد معتبر است، هیچ تدلیسی در خصوص تابلوی نقاشی صورت نپذیرفته است. همه آنچه که مورد خرید و فروش واقع شده، یک تابلوی نقاشی است. اشتباهی در خصوص ماهیت تابلو نقاشی وجود ندارد، اما طرفین در خصوص کیفیت مرتکب اشتباه شده‌اند. شما آنچه را که به خاطر آن معامله کرده‌اید به دست آورده‌اید؛ یعنی تابلوی نقاشی معین؛ در چنین مواردی قاعده کلی این است که «اجازه دهید خریدار آگاه باشد».

با این وجود امکان دارد، انصاف در شرایط خاصی، جبران خسارت اعطا نماید و قرارداد بر اساس شروط منصفانه و عادلانه باطل شود.

(d) Mistake as to the identity of the other party

This type of mistake arises where, for example, (A) intend to contract with (B), but by mistake contracts with (C). Is the contract with (C) valid?

The answer here depends on whether the identity of the party (in the above case, (B) is material to the contract in the sense that (A) intended to contract with (B) and no other person.

اشتباه در خصوص هویت طرف معامله

این نوع اشتباه، در جایی به وجود می‌آید که برای مثال، (الف) قصد معامله با (ب) را داشته باشد ولی اشتباهاً با (سی) قرارداد می‌بندد. آیا قرارداد با (سی) معتبر است؟ در این جا پاسخ به این بستگی دارد که آیا هویت طرف معامله (در دعوی فوق، بی) برای قرارداد مهم است یا خیر به این معنی که آیا (الف) قصد انعقاد عقد با (ب) و نه هیچ شخص دیگری را داشته است یا خیر.

Mistake of identity, therefore, will nullify the contract if it is proved.

(i) that the identity of the party contracted with is material to the contract

(ii) that the party contracted with knows that he is not the person that the other party intended to enter into contractual relations with.

از این حیث، اشتباه در خصوص هویت، وقتی قرارداد را باطل خواهد ساخت که ثابت شود:

۱- هویت طرفی که با او معامله شده، برای عقد مهم می‌باشد.

۲- طرفی که با او معامله شده بداند که او شخصی نیست که طرف مقابل قصد داشته با او روابط قراردادی داشته باشد.

In ordinary contracts for the sale of goods in a shop, for example, the identity of the customer is immaterial. The person is a mere customer, and as long as he or she is willing to pay the price for the goods, the shopkeeper is usually unconcerned with personal identity. Whoever the customer, it matters not as long as a bargain is made. But in some contracts personal identity is material, and in such cases the contracts with the mistaken person are void.

برای مثال، در قراردادهای متداول بیع کالا از یک مغازه، هویت مشتری مهم نیست. او صرفاً یک مشتری است و تا زمانی که مایل به پرداخت ثمن کالا است، معمولاً هویت شخصی او برای مغازه‌دار اهمیتی ندارد. مادامی که معامله انجام می‌یابد، مهم نیست که چه کسی مشتری می‌باشد، اما در برخی از قراردادهای، هویت شخصی حائز اهمیت است و در چنین مواردی قراردادهایی که با طرف اشتباهی انعقاد می‌یابد، باطل هستند.

(e) mistake as to the nature of the document

The general rule of law is that a person is bound by the terms of any instrument signed. This is so even though the signer did not read the document or did not understand its contents. Where, however, a person signs a contract in the mistaken belief that it is a totally different document liability can be avoided. In such a case non est factum, i.e. 'not my deed' may be pleaded.

اشتباه در خصوص ماهیت سند

قاعده کلی حقوق این است که هر شخص ملزم به مفاد سندی است که آن را امضا می‌نماید، حتی اگر امضا کننده سند را نخواند یا مندرجات آن را نفهمد. با این وجود، در مواردی که شخص سندی را اشتبهاً با تصور این که سندی کاملاً متفاوت است، امضا می‌کند می‌تواند از مسئولیت اجتناب کند. در چنین مواردی ممکن است او دفاع مبتنی بر انکار امضا سند موضوع دعوی را ارائه کند یعنی ادعا نماید «این سند من نیست.»

Foster v. mackinnon (1869)

M, an old man of feeble sight, was induced to endorse a bill of exchange for £ 30000, on the assurance that it was a guarantee. The bill was endorsed for value to foster who sued M on the bill. Held: that m's plea of non est factum was good, and he was not liable on the bill.

دعوی فوستر علیه میکنون (۱۸۶۹)

پیرمردی به نام (ام) که چشمانش ضعیف بود، اغوا گردید تا براتی را به مبلغ ۳۰۰۰۰ پوند با این اطمینان که به عنوان ضمانت صادر شده، ظهرنویسی کند. برات به مبلغ آن، به نفع فوستر که براساس آن علیه (ام) اقامه دعوی نمود، ظهرنویسی شد. دادگاه مقرر داشت: ادعای (ام) در خصوص انکار امضای سند موضوع دعوی صحیح است و او بر اساس این برات مسئولیت ندارد.

Misrepresentation

‘A representation is a statement made by one party to the other, before or at the time of the contract, with regard to some existing fact or to some past event, which is material to the contract.’

تدلیس

اظهار بیانی است که از سوی یک طرف به طرف دیگر، قبل یا مقارن با انعقاد عقد، در خصوص حقیقت موجود یا واقعه گذشته‌ای که برای قرارداد حایز اهمیت است، صورت می‌پذیرد.

Misrepresentations are of three kinds: innocent, negligent and fraudulent. Innocent misrepresentations are those statements of fact which the maker believes to be true but are, in fact, false.

Negligent misrepresentations are incorrect statements of fact which are careless (or negligent), though not dishonest. Fraudulent misrepresentations are those statements of fact which the maker knows to be false, so fraud means dishonest belief.

Fraudulent misrepresentation is a distinct tort, known as deceit. Its relevance and importance to the law of contract are obvious.

تدلیس‌ها بر سه نوع هستند: غیر عمدی، مسامحه‌کارانه و متقلبانه. تدلیس‌های غیر عمدی، اظهار واقعیت‌هایی هستند که اظهار کننده، اعتقاد به صحت آن‌ها دارد ولی در واقع غلط می‌باشند. تدلیس‌های مسامحه‌کارانه اظهارات نادرست درباره واقعیت هستند، اما در عین حال این اظهارات